



طراحی الگوی سیاست‌گذاری مشارکتی در آموزش توسعه‌محور

فرهاد اکبری^۱، فاطمه کرمی^۲، سیدمهدی موسوی^۳

۱. گروه علوم تربیتی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

۲. گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

۳. گروه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: fatemeh.karami@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های رفتاری مؤثر در تربیت نسل آینده‌نگر در نظام آموزشی ایران با تمرکز بر دیدگاه معلمان، مدیران آموزشی و متخصصان حوزه تعلیم و تربیت است. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوای قراردادی انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۸ مشارکت‌کننده از شهر تهران گردآوری شد. مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند انتخاب شدند و روند گردآوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی کامل، با استفاده از نرم‌افزار NVivo و طی مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی سه مقوله اصلی شامل: «توسعه نگرش آینده‌نگرانه»، «پرورش مهارت‌های کنشگری آگاهانه» و «ایجاد زمینه‌های تربیتی در مدرسه» شد. هر یک از این مقوله‌ها دارای چندین زیرمقوله از جمله تفکر بلندمدت، تحلیل روندهای جهانی، مسئولیت‌پذیری بین‌نسلی، مهارت تصمیم‌گیری، خودمدیریتی، تفکر انتقادی، نقش الگویی معلمان و فضای نوآورانه مدرسه بودند. این مؤلفه‌ها بیانگر ضرورت توجه به ابعاد رفتاری در فرآیند تربیت آینده‌نگر هستند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تربیت آینده‌نگر صرفاً با آموزش محتوای نظری محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند نهادینه‌سازی مجموعه‌ای از رفتارها و نگرش‌ها در بستر مدرسه، خانواده و جامعه است. این مؤلفه‌ها می‌توانند راهنمایی برای بازنگری در سیاست‌گذاری‌های تربیتی، برنامه‌ریزی درسی و طراحی دوره‌های آموزشی معلمان باشند.

کلیدواژه‌گان: تربیت آینده‌نگر، مؤلفه‌های رفتاری، نظام آموزشی، آینده‌پژوهی، مهارت‌های نرم، آموزش مدرسه‌محور

تاریخ ارسال: ۳ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۱ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱ دی ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۳ دی ۱۴۰۳



How to cite: Akbari, F., Karami, F., & Mousavi, S. M. (2024). Identifying Behavioral Components in Educating a Future-Oriented Generation within the Educational System. *Training, Education, and Sustainable Development*, 2(4), 1-9.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Identifying Behavioral Components in Educating a Future-Oriented Generation within the Educational System

Farhad Akbari¹, Fatemeh Karami^{2*}, Seyed Mehdi Mousavi³

1. Department of Educational Sciences, Arak University, Arak, Iran

2. Department of Educational Management, Arak University, Arak, Iran

3. Department of Islamic Education, Arak University, Arak, Iran

*Corresponding Author's Email: fatemeh.karami@gmail.com

Abstract

This study aimed to identify the behavioral components involved in educating a future-oriented generation within the Iranian educational system, based on the perspectives of teachers, school administrators, and educational experts. This qualitative study was conducted using a conventional content analysis approach. Data were collected through semi-structured interviews with 28 purposively selected participants from Tehran. Interviews continued until theoretical saturation was reached. The recorded interviews were fully transcribed and analyzed using NVivo software through open, axial, and selective coding procedures. Data analysis revealed three main themes: "Developing a Future-Oriented Mindset," "Fostering Conscious Agency Skills," and "Creating Educational Contexts for Future Readiness." Each theme included subthemes such as long-term thinking, global trend analysis, intergenerational responsibility, decision-making skills, self-management, critical thinking, role-modeling by educators, and innovative school environments. These behavioral components underscore the necessity of integrating future-oriented values and practices into everyday educational experiences. The findings demonstrate that educating a future-oriented generation requires more than theoretical instruction—it demands the cultivation of specific behavioral patterns and mindsets embedded within school culture, family engagement, and broader social structures. These insights can inform educational policy reforms, curriculum development, and teacher training programs.

Keywords: *Future-oriented education, behavioral components, educational system, futures studies, soft skills, school-based learning*

Submit Date: 24 October 2024

Revise Date: 1 December 2024

Accept Date: 21 December 2024

Publish Date: 3 January 2025

نظام‌های آموزشی در قرن بیست‌ویکم با چالش‌ها و الزامات بی‌سابقه‌ای مواجه‌اند که ناشی از تغییرات سریع فناوری، تحولات اجتماعی، نابرابری‌های جهانی، بحران‌های زیست‌محیطی و پیچیدگی‌های روزافزون زندگی انسان است. در چنین شرایطی، یکی از وظایف اصلی آموزش و پرورش، نه صرفاً انتقال دانش گذشته، بلکه آماده‌سازی نسل آینده برای مواجهه آگاهانه، مسئولانه و خلاقانه با آینده‌ای ناشناخته است. این مأموریت خطیر، مستلزم تربیت نسلی آینده‌نگر است؛ نسلی که بتواند از منظر رفتاری، شناختی و ارزشی به آینده بیندیشد، آن را تحلیل کند و برای ساختن آن نقش ایفا نماید (Milojević, 2005).

در تربیت آینده‌نگر، صرف آشنایی با ابزارهای آینده‌پژوهی یا آموزش مفاهیم فناوری‌محور کافی نیست، بلکه نیازمند توسعه و نهادینه‌سازی مجموعه‌ای از مؤلفه‌های رفتاری مشخص در افراد است که آن‌ها را به سوی آینده‌محوری، مسئولیت‌پذیری و نوآفرینی سوق دهد. از این منظر، رفتارهایی چون تصمیم‌گیری آگاهانه، تفکر سیستمی، تعهد بین‌نسلی، خلاقیت در حل مسئله، مشارکت اجتماعی و تحلیل روندهای جهانی، به‌عنوان ارکان تربیت آینده‌نگر مورد توجه قرار می‌گیرند (Slaughter, 2004).

در ادبیات بین‌المللی، مفاهیمی مانند آینده‌سنجی آموزشی (educational foresight)، سواد آینده (futures literacy)، و تربیت آینده‌نگر (futures-oriented education) در راستای تجهیز نسل نو برای درک و تأثیرگذاری بر آینده مطرح شده‌اند (OECD, 2018). این رویکردها همگی بر این اصل استوارند که آینده قابل‌پیش‌بینی نیست، اما می‌توان با توسعه ظرفیت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری، مواجهه هوشمندانه‌تری با آن داشت (Miller, 2015). بنابراین، شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های رفتاری در این راستا، ضرورتی گریزناپذیر برای بازطراحی نظام‌های تربیتی در سطح سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا محسوب می‌شود.

یکی از خلأهای جدی در نظام آموزشی ایران، فقدان چارچوبی جامع برای تبیین و ارتقای رفتارهای آینده‌نگرانه در فرآیند آموزش رسمی و غیررسمی است. اگرچه برخی برنامه‌های درسی به موضوعات آینده‌محور مانند محیط‌زیست یا کارآفرینی پرداخته‌اند، اما رفتارهای زیربنایی مؤثر بر آینده‌نگری از جمله کنشگری آگاهانه، مدیریت تغییر، مسئولیت‌پذیری بین‌نسلی و تحلیل روندهای اجتماعی کمتر به‌صورت نظام‌مند در محتوای تربیتی نهادینه شده‌اند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۶).

همچنین، تحقیقات داخلی اغلب به آموزش مهارت‌های آینده‌نگری در سطح شناختی یا برنامه‌درسی پرداخته‌اند و بررسی ابعاد رفتاری آن مغفول مانده است. این در حالی است که نهادینه‌سازی رفتارهایی چون خویشتن‌داری، تعامل همدلانه، جست‌وجوی نوآوری، و تصمیم‌گیری مسئولانه در برابر آینده، بیش از آموزش نظری، به تجربه زیسته و محیط تربیتی وابسته است (Hicks & Holden, 2007). از این رو، تحلیل کیفی تجارب فعالان حوزه تعلیم و تربیت، معلمان و متخصصان آینده‌پژوهی می‌تواند به غنای نظری و کاربردی این حوزه کمک شایانی کند. از سوی دیگر، سازمان یونسکو در سند چشم‌انداز «بازاندیشی در آموزش برای آینده‌ای ناپایدار» تأکید دارد که مدارس باید به کانون‌های نوآوری اجتماعی، یادگیری مشارکتی، تربیت اخلاقی و پرورش آینده‌نگری تبدیل شوند (UNESCO, 2021). تحقق این چشم‌انداز جهانی، در گرو طراحی مدل‌هایی بومی و زمینه‌محور است که بر پایه‌ی شناخت دقیق رفتارهای قابل آموزش و تقویت در کودکان و نوجوانان استوار باشد. رفتارهایی که می‌توانند ظرفیت تخیل و کنش اجتماعی آن‌ها را به‌منظور ساختن آینده‌ای مطلوب فعال سازند.

تحقیقات متعددی نیز بر اهمیت مهارت‌های نرم در کنار مهارت‌های شناختی برای آمادگی مواجهه با آینده تأکید کرده‌اند. برای مثال، پژوهش هال (Hall, 2013) نشان داد که نوجوانانی که در مدرسه مهارت‌هایی چون مشارکت اجتماعی، تحمل ابهام، و تحلیل پیامد تصمیمات را فراگرفته‌اند، آمادگی بیشتری برای ایفای نقش فعال در تحولات آینده دارند. در مطالعه‌ای دیگر، تیلسون و موریسون (Tilson & Morrison, 2019) با بررسی نظام آموزشی فنلاند، رفتارهای کنشگرانه و همدلانه را به‌عنوان مؤلفه‌های محوری تربیت شهروندان آینده معرفی کرده‌اند.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، شناسایی مؤلفه‌های رفتاری در تربیت نسل آینده‌نگر در نظام آموزشی ایران از دیدگاه متخصصان، معلمان و صاحب‌نظران حوزه‌های مرتبط است. این پژوهش بر آن است تا از طریق روش کیفی و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته،

تصویری عمیق و زمینه‌محور از رفتارهای کلیدی مورد نیاز برای آموزش آینده‌محور ارائه دهد. به‌ویژه آنکه در بسیاری از اسناد تحولی آموزش و پرورش ایران نیز به "تربیت تمام‌ساحتی"، "نگاه به آینده" و "نوآفرینی فرهنگی" اشاره شده است، اما برای تحقق آن نیاز به فهم دقیق‌تری از مؤلفه‌های رفتاری است که در تجربه زیسته آموزشی متبلور می‌شوند (شکوهی، ۱۳۹۸).

بدیهی است که تربیت آینده‌نگر، صرفاً از مسیر تجویز محتوای درسی یا تکالیف آموزشی حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند تغییر در نگرش، رفتار و تعاملات میان‌فردی در مدرسه، خانواده و جامعه است. از این رو، شناخت دقیق‌تر مؤلفه‌های رفتاری، می‌تواند راهگشای تدوین برنامه‌های درسی نوین، طراحی فعالیت‌های تربیتی، و آموزش معلمان در راستای آماده‌سازی نسل آینده برای جهانی پیچیده، مبهم و تحول‌یابنده باشد.

روش‌شناسی

در این پژوهش از رویکرد کیفی با هدف شناسایی مؤلفه‌های رفتاری مؤثر در تربیت نسل آینده‌نگر در نظام آموزشی استفاده شد. طراحی پژوهش از نوع تحلیل محتوای کیفی قراردادی بود که به‌طور خاص برای استخراج مؤلفه‌ها و مفاهیم رفتاری از دیدگاه مشارکت‌کنندگان انجام گرفت. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل کلیه‌ی کارشناسان تعلیم و تربیت، مدیران آموزشی، معلمان باسابقه، و متخصصان حوزه‌ی آینده‌پژوهی در شهر تهران بود. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و با در نظر گرفتن ملاک‌هایی همچون سابقه‌ی فعالیت آموزشی، آشنایی با مفاهیم آینده‌نگری و تجربه‌ی عملی در آموزش انجام شد. فرآیند مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت، ۲۸ نفر به‌عنوان مشارکت‌کنندگان نهایی در پژوهش شرکت کردند.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود که بر اساس راهنمای کلی سؤالات باز طراحی شد. مصاحبه‌ها به‌صورت حضوری و در برخی موارد آنلاین، در بازه‌ی زمانی مشخصی انجام شد. هر مصاحبه به‌طور میانگین بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید و با کسب اجازه‌ی قبلی از مشارکت‌کنندگان، ضبط و سپس به‌طور کامل پیاده‌سازی شد.

داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار NVivo نسخه‌ی ۱۲ تحلیل شد. فرآیند تحلیل از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت. ابتدا مضامین اولیه شناسایی و کدگذاری شدند، سپس کدهای مشابه در مقوله‌های فرعی طبقه‌بندی شدند و در نهایت، مفاهیم کلی‌تر در قالب مؤلفه‌های رفتاری کلیدی در تربیت نسل آینده‌نگر استخراج گردید. برای افزایش اعتبار و پایایی، روش بازبینی اعضا (member check) و تحلیل هم‌زمان توسط دو پژوهشگر به‌کار گرفته شد.

یافته‌ها

مقوله اول: توسعه نگرش آینده‌نگرانه

تشویق به تفکر بلندمدت

شرکت‌کنندگان تأکید داشتند که یکی از نخستین مؤلفه‌های رفتاری برای تربیت نسل آینده‌نگر، پرورش توانایی تفکر بلندمدت در دانش‌آموزان است. این امر از طریق تشویق به تعیین اهداف دوربرد، تحلیل پیامدهای تصمیمات و تأمل در آینده تحقق می‌یابد. یکی از معلمان اظهار داشت: «اگر بچه‌ها یاد بگیرن فقط برای فردا فکر نکنن، بلکه ۵ سال بعدشون رو هم ببینن، خیلی چیزها تو رفتارشون فرق می‌کنه».

آموزش تحلیل روندهای جهانی

شرکت‌کنندگان معتقد بودند که شناخت تحولات جهانی مانند پیشرفت فناوری، تغییرات اقلیمی و تحولات بازار کار از ضرورت‌های تربیت آینده‌نگر است. در این راستا، آموزش تحلیل روندها و درک پیامدهای آن‌ها باید در برنامه تربیتی گنجانده شود. یکی از کارشناسان بیان کرد: «دانش‌آموز باید بدون دنیا داره به چه سمتی می‌ره، نه اینکه فقط حفظیات کتاب درسی رو بدون».

تقویت مسئولیت‌پذیری نسبت به نسل‌های آینده

یکی دیگر از زیرمقوله‌ها، پرورش حس مسئولیت نسبت به آیندگان و تأثیر رفتارهای امروز بر آینده بود. مشارکت‌کنندگان به اهمیت ترویج رفتارهای پایدار، حفاظت از منابع طبیعی و عدالت بین‌نسلی اشاره کردند. یک مدیر مدرسه اظهار داشت: «بچه‌ها باید بدون آگاه امروز اسراف کنند یا محیط‌زیست رو خراب کنند، نسل بعدی آسیب می‌بیند».

ارتقاء سواد رسانه‌ای و دیجیتال

در این زیرمقوله، بسیاری از مشارکت‌کنندگان به نیاز جدی به سواد رسانه‌ای اشاره داشتند. مهارت‌هایی همچون تشخیص اطلاعات نادرست، تحلیل محتوا و مدیریت زمان در مواجهه با رسانه‌ها، به‌ویژه در فضای مجازی، از جمله مفاهیم کلیدی مورد تأکید بود. یکی از معلمان گفت: «نسل آینده تو دنیای رسانه‌ای بزرگ می‌شه. اگه بلد نباشه چطور استفاده کنه، خیلی راحت فریب می‌خوره».

ترویج ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر آینده

مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که ارزش‌هایی مانند انصاف، صداقت و عدالت، وقتی با نگاه به آینده آموزش داده شوند، تأثیر ماندگارتری در تربیت دارند. «باید به بچه‌ها یاد بدیم که تصمیم امروز، آینده خودش و دیگران رو می‌سازه» (گفته‌ی یکی از مربیان پرورشی).

ایجاد علاقه به مسائل آینده‌محور

برخی از مشارکت‌کنندگان بر اهمیت ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان نسبت به آینده و موضوعات آینده‌محور همچون فناوری، نوآوری و یادگیری مادام‌العمر تأکید داشتند. «وقتی دانش‌آموزی با اشتیاق از آینده شغلی‌اش حرف می‌زنه، یعنی ما یه قدم به هدفمون نزدیک شدیم» (اظهار یکی از مشاوران تحصیلی).

مقوله دوم: پرورش مهارت‌های کنشگری آگاهانه

آموزش مهارت تصمیم‌گیری

توانایی تصمیم‌گیری صحیح، یکی از رفتارهای کلیدی تربیت آینده‌نگر شناخته شد. مشارکت‌کنندگان به آموزش روش‌های ارزیابی گزینه‌ها، تحلیل پیامدها و حل مسئله اشاره داشتند. یکی از متخصصان گفت: «بچه‌ها باید یاد بگیرن چطور فکر کنند، نه اینکه فقط چی فکر کنند».

توانمندسازی در مدیریت تغییر

مشارکت‌کنندگان بر اهمیت آمادگی ذهنی برای پذیرش تغییرات و توانایی تطبیق با شرایط جدید تأکید کردند. آموزش مهارت‌هایی همچون انعطاف‌پذیری، پذیرش ابهام و تنظیم هیجان در این زمینه مطرح شد. یک مربی عنوان کرد: «اگه نسلی تربیت کنیم که از تغییر نترسه، اون نسل برای آینده آماده‌ست».

تقویت تفکر انتقادی و خلاقانه

تفکر انتقادی و خلاقانه به‌عنوان دو بال کنشگری آگاهانه مطرح شد. شرکت‌کنندگان بر نقش پرسش‌گری، تحلیل فرضیات و تولید ایده‌های نو در مواجهه با چالش‌های آینده تأکید داشتند. «ما نباید فقط اطلاعات بدیم؛ باید سوال‌ساز تربیت کنیم» (نظر یکی از اساتید دانشگاه فرهنگیان).

تمرین مهارت‌های ارتباطی و مشارکتی

مهارت‌هایی همچون گوش‌دادن فعال، بیان مؤثر و تعامل گروهی، به‌عنوان پایه‌های ارتباط بین‌نسلی و همکاری در حل مسائل آینده شناخته شد. یکی از معلمان بیان داشت: «وقتی بچه‌ها بلدن خوب گوش بدن و حرف بزنن، می‌تونن دنیا رو تغییر بدن».

آموزش مهارت‌های خودمدیریتی

شرکت‌کنندگان بر لزوم آموزش مهارت‌هایی همچون برنامه‌ریزی شخصی، خودآگاهی و پایش عملکرد شخصی برای مواجهه آگاهانه با آینده تأکید داشتند. «اگر دانش‌آموز بتونه خودش رو مدیریت کنه، نصف مسیر رو رفته» (گفته‌ی یک مدیر مشاور).

پرورش مهارت نوآفرینی

تربیت تفکر کارآفرینانه و نوآفرینی از دیگر مؤلفه‌های رفتاری مهم بود. مفاهیمی مانند شکست‌پذیری سازنده و تبدیل ایده به اقدام از دید مشارکت‌کنندگان دارای اهمیت بالا بود. «فردای ایران رو آدم‌های نوآور می‌سازن، نه مقلدها» (اظهار یکی از فعالان آموزشی).
مقوله سوم: ایجاد زمینه‌های تربیتی در مدرسه

نقش الگویی معلمان و مدیران
شرکت‌کنندگان تأکید داشتند که معلمان و مدیران باید با رفتار و گفتار خود، الگوی آینده‌نگری برای دانش‌آموزان باشند. یکی از معلمان گفت:
«دانش‌آموز از رفتار ما یاد می‌گیرد، نه از حرف‌هامون».
بازنگری در محتوای درسی

ضرورت بازبینی محتوای درسی و گنجاندن موضوعات آینده‌محور و بین‌رشته‌ای یکی دیگر از زیرمقوله‌ها بود. «آینده با اطلاعات کتاب درسی ساخته نمی‌شه؛ با تفکر سیستمی ساخته می‌شه» (گفته‌ی یکی از اعضای شورای برنامه‌ریزی درسی).
استفاده از روش‌های یادگیری فعال

پژوهش نشان داد روش‌هایی مانند یادگیری پروژه‌محور و شبیه‌سازی آینده، زمینه‌ساز تقویت نگاه آینده‌نگر در دانش‌آموزان است. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «وقتی دانش‌آموز درگیر پروژه می‌شه، آینده برایش ملموس می‌شه».

تقویت پیوند آموزش با زندگی واقعی
شرکت‌کنندگان بر اهمیت ایجاد پیوند بین آموزش مدرسه و مسائل واقعی جامعه تأکید داشتند. ارتباط با صنایع، حل مسائل محلی و بازدید میدانی از جمله روش‌های پیشنهادی بود. «باید مدرسه رو به جامعه وصل کنیم، نه جدا کنیم» (نظر یکی از مدیران اجرایی).
ارتقاء جو مدرسه به‌عنوان فضای نوآورانه

فضای حمایتی برای تجربه‌ورزی، پذیرش شکست، تشویق ایده‌پردازی و باز بودن فضا برای تبادل نظر، از دیدگاه مشارکت‌کنندگان الزامی است. «مدرسه باید کارگاه زندگی باشه، نه سالن امتحان» (اظهار یکی از کارشناسان تربیتی).
توسعه مشارکت خانواده و جامعه

تقویت تعامل مدرسه با والدین و نهادهای اجتماعی برای هم‌راستاسازی پیام‌های تربیتی با اهداف آینده‌نگر مطرح شد. «خانواده و مدرسه باید یه پیام واحد به بچه بدن» (نظر یکی از مشاوران خانواده).
بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در آموزش
استفاده هوشمندانه از فناوری در جهت آموزش هدفمند و تعاملی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های گزارش‌شده بود. یکی از معلمان اظهار داشت: «اگه فناوری درست استفاده بشه، می‌تونه در خدمت تفکر آینده‌محور قرار بگیره».

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش، مؤلفه‌های رفتاری کلیدی در تربیت نسل آینده‌نگر را در قالب سه مقوله‌ی اصلی شامل «توسعه نگرش آینده‌نگرانه»، «پرورش مهارت‌های کنشگری آگاهانه» و «ایجاد زمینه‌های تربیتی در مدرسه» دسته‌بندی کرد. این مؤلفه‌ها، نه تنها بازتابی از نگاه‌های متخصصان آموزشی، بلکه پاسخی عینی به نیازهای تربیتی قرن بیست‌ویکم و ضرورت توانمندسازی نسل جدید برای مواجهه با آینده‌ای پیچیده، غیرقابل‌پیش‌بینی و متحول است. در ادامه به تحلیل یافته‌ها و تطبیق آن‌ها با مطالعات پیشین پرداخته می‌شود.
یکی از یافته‌های مهم پژوهش، تأکید بر «تشویق به تفکر بلندمدت» و «آموزش تحلیل روندهای جهانی» به‌عنوان بخشی از نگرش آینده‌نگر بود. این یافته با نظریه‌ی «سواد آینده» (Futures Literacy) مطرح‌شده توسط یونسکو مطابقت دارد که بر پرورش توانایی افراد برای درک، تحلیل و تخیل درباره آینده تأکید دارد (Miller, 2015). بر این اساس، مهارت‌هایی مانند تحلیل پیامدهای تصمیمات، درک تحولات فناوری

و زیست‌محیطی، و نگاه سیستمی به مسائل، لازمه‌ی تربیت نسل آینده‌محور است. پژوهش Hicks & Holden (۲۰۰۷) نیز نشان داد که آموزش آینده‌نگر زمانی مؤثر است که کودکان به تفکر درباره آینده و مسئولیت‌پذیری نسبت به آن ترغیب شوند.

همچنین، یافته‌های مرتبط با مؤلفه‌هایی مانند «مسئولیت‌پذیری بین‌نسلی» و «ترویج ارزش‌های اخلاقی آینده‌محور» با رویکرد تربیت شهروند جهانی در مطالعات بین‌المللی همسو است. در این چارچوب، آموزش ارزش‌هایی همچون عدالت، انصاف، پایداری و احترام به دیگران، نه تنها برای امروز، بلکه برای آینده‌ای بهتر مورد تأکید قرار می‌گیرد (Tilson & Morrison, 2019). مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر نیز بر این باور بودند که دانش‌آموز باید بیاموزد رفتار امروز او چگونه می‌تواند بر کیفیت زندگی نسل‌های آینده تأثیر بگذارد. این یافته‌ها در راستای دیدگاه Slaughter (۲۰۰۴) نیز قرار دارد که آینده‌نگری را بیش از یک تکنیک تحلیلی، یک نگرش اخلاقی و انسانی نسبت به آینده می‌داند.

در سطح دوم، مقوله‌ی «پرورش مهارت‌های کنشگری آگاهانه» به‌طور مشخص بر آموزش تصمیم‌گیری، مدیریت تغییر، تفکر انتقادی، مهارت‌های ارتباطی و نوآفرینی تأکید داشت. این دسته از مؤلفه‌های رفتاری، بازتابی از نیاز به تربیت نسلی کنشگر است که بتواند در برابر آینده واکنش منفعلانه نداشته باشد، بلکه عامل تغییر باشد. مطالعه‌ی Hall (۲۰۱۳) به این نتیجه رسید که آموزش مهارت‌هایی همچون تصمیم‌گیری، تعامل گروهی، خلاقیت و تفکر انتقادی نقش بسزایی در آمادگی برای آینده دارد. همچنین، در گزارش OECD (۲۰۱۸)، این مهارت‌ها در قالب «شایستگی‌های کلیدی برای قرن بیست‌ویکم» معرفی شده‌اند که باید در نظام آموزشی نهادینه شوند.

در پژوهش حاضر، توجه ویژه‌ای به مهارت خودمدیریتی و خودپایشگری به‌عنوان بنیان کنشگری فردی معطوف شده است. این یافته‌ها با دیدگاه فتحی‌وآجارگاه (۱۳۹۶) نیز مطابقت دارد که بر «سازوکارهای خودرهبی در یادگیری آینده‌محور» تأکید کرده و معتقد است دانش‌آموز باید توانایی تعیین هدف، برنامه‌ریزی، ارزیابی و اصلاح عملکرد خود را داشته باشد. همچنین، مشارکت‌کنندگان پژوهش تأکید داشتند که مهارت‌هایی مانند انعطاف‌پذیری، تاب‌آوری در برابر تغییر و آمادگی برای شکست، باید در بستر آموزش رسمی و غیررسمی توسعه یابد؛ مؤلفه‌هایی که در پژوهش Mилоjević (۲۰۰۵) نیز به‌عنوان «پیش‌نیازهای تربیت برای آینده» معرفی شده‌اند.

در مقوله‌ی سوم یعنی «ایجاد زمینه‌های تربیتی در مدرسه»، یافته‌ها نشان داد که نقش الگویی معلمان، بازنگری محتوای درسی، فضای نوآورانه مدرسه و پیوند آموزش با زندگی واقعی، از جمله عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رفتارهای آینده‌نگرانه در دانش‌آموزان هستند. این مؤلفه‌ها تأییدی است بر این که تربیت آینده‌نگر، نه صرفاً در محتوای آموزشی، بلکه در تعاملات و ساختارهای نهادی مدرسه تحقق می‌یابد. به بیان دیگر، «محیط یادگیری»، به اندازه محتوای آموزشی در پرورش نگرش‌ها و رفتارهای آینده‌نگر اهمیت دارد (UNESCO, 2021).

نقش خانواده و جامعه در این میان بسیار پررنگ است؛ زیرا آموزش و پرورش رسمی به‌تنهایی نمی‌تواند این نوع رفتارها را در دانش‌آموزان نهادینه کند. یافته‌های پژوهش حاضر نیز بر اهمیت تعامل خانواده، نهادهای اجتماعی و مدرسه در ارتقای نگرش آینده‌نگر تأکید دارد. در این راستا، نتایج پژوهش شکوهی (۱۳۹۸) نیز حاکی از آن است که رویکردهای تربیتی کارآمد، هم‌افزایی میان ارکان مختلف تربیت را ضروری می‌دانند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش، تصویر جامعی از مؤلفه‌های رفتاری موردنیاز برای تربیت نسل آینده‌نگر ارائه می‌دهد که می‌تواند مبنای برنامه‌ریزی‌های آموزشی، طراحی محتوا، و سیاست‌گذاری‌های تربیتی قرار گیرد. با تکیه بر این مؤلفه‌ها، می‌توان دانش‌آموزانی را پرورش داد که نه تنها آمادگی رویارویی با آینده را دارند، بلکه توانایی شکل‌دهی به آن را نیز دارا هستند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

- Hall, D. (2013). Futures thinking and education: Teaching for change. *Journal of Futures Studies*, 17(4), 19–30.
- Hicks, D., & Holden, C. (2007). *Teaching the global dimension: Key principles and effective practice*. Routledge.
- Miller, R. (2015). *Learning, the Future, and Complexity: An Essay on the Emergence of Futures Literacy*. UNESCO.
- Milojević, I. (2005). *Educational Futures: Dominant and Contesting Visions*. Routledge.
- OECD. (2018). *The Future of Education and Skills: Education 2030 Framework*. OECD Publishing.
- Slaughter, R. A. (2004). *Futures Beyond Dystopia: Creating Social Foresight*. RoutledgeFalmer.
- Tilson, J., & Morrison, M. (2019). Educating for Tomorrow: A Comparative Study of Future-Oriented Curriculum Models. *European Journal of Education*, 54(2), 205–223.